

مواضع سیاسی - اجتماعی ام‌سلمه مقابل سیاست‌های مذهبی

حاکمیت پس از پیامبر ﷺ

فاطمه علیاء^۱

چکیده

جایگاه برجسته ام‌سلمه میان همسران پیامبر ﷺ او را در موقعیتی قرار داده است که پس از حضرت خدیجه رضی الله عنها برترین همسر رسول خدا محسوب می‌شود. براساس این عملکرد، مواضع و سلوک سیاسی و اجتماعی او حتی پس از پیامبر نیز می‌تواند الگوی شایسته‌ای باشد. با توجه به این مسئله، بررسی موضع‌گیری‌های او در قبال مسائل نوظهور جهان اسلام و چگونگی روابط او با خاندان عصمت و طهارت پس از رحلت پیامبر ﷺ اهمیت دارد. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی، مواضع سیاسی ام‌سلمه در مواجهه با سیاست‌های هیئت حاکمه در قبال اهل بیت علیهم السلام را مطرح می‌کند. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که ام‌سلمه پس از واقعه سقیفه، پیوسته وفاداری خود را به امام علی رضی الله عنه و حضرت زهرا رضی الله عنها و فرزندان او نشان می‌داد و در بیان فضیلت‌های امام علی رضی الله عنه و توجه دادن مردم به ولایت وی بسیار تلاش کرد. روشننگری‌های ام‌سلمه به دنبال رحلت پیامبر ﷺ در حمایت از امام علی رضی الله عنه بر پایه وصایای رسول خدا صلی الله علیه و آله بود. موضع‌گیری و شهادت او به نفع حضرت زهرا رضی الله عنها در جریان فدک موجب قطع مقررری او از بیت‌المال شد.

واژگان کلیدی: مواضع ام‌سلمه، ام‌سلمه، حاکمیت بعد از پیامبر ﷺ،

سیاست‌های مذهبی بعد از پیامبر ﷺ.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی تاریخ اسلام از کشور پاکستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی رضی الله عنه العالمیه، ایران، قم.

۱. مقدمه

ام سلمه یکی از امهات المؤمنین، زندگی سراسر آموزنده‌ای برای زنان و مردان مسلمانان و نقش تأثیرگذاری بر تاریخ هشتاد سال نخست اسلام دارد. وی از نخستین کسانی است که به همراه نخستین شهیده اسلام ایمان آورد. از نخستین مهاجران به حبشه در سال پنجم بعثت رسول خدا ﷺ و از نخستین گروه مهاجر به یثرب در سال‌های پایانی بعثت است. در مدینه‌النبی با همسرش ابوسلمه در دفاع از اسلام به قیام برخاستند. ابوسلمه در میدان جنگ بدر و احد در کنار رسول خدا ﷺ جنگید و بر اثر زخمی که در جنگ احد برداشت چند ماه بعد به شهادت رسید. ام سلمه پس از این، به همسری رسول خدا ﷺ مفتخر شد و در عمل نشان داد که نه تنها شایستگی قرار گرفتن در گروه مؤمنات، سابقات و مهاجران را دارد، بلکه به افتخارهای دیگری هم می‌تواند دست یابد و ام المؤمنین باشد. وی در غزوات متعددی در کنار رسول خدا ﷺ شرکت کرد، خانه‌اش مهبط وحی شد، وظیفه مادری مؤمنان را با رسیدگی به مشکلات مردم ثابت کرد و پناهگاه بی‌پناهان و بیچارگان شد.

ام سلمه افتخاری از همه اینها بالاتر دارد و آن نقل آیه تطهیر و حدیث کساست. ام سلمه نقل می‌کند: «پیامبر اکرم ﷺ در خانه من بود که فاطمه ع با نان و طعام وارد شد. پیامبر ﷺ فرمود: همسرت و دو پسرت را صدا بزن. فاطمه آنان را فراخواند. همگی غذا خوردند، سپس رسول خدا ﷺ کسایش را بر سر پنج نفر انداخت و دست به آسمان برداشته گفت: خدایا اینان آل من هستند. آیه تطهیر نازل شد. من گفتم: یا رسول الله، من از اهل بیت نیستم؟ فرمود: تو بر خیری». پیامبر ﷺ او را از مصداق اهل بیت نمی‌داند، ولی بر خیر بودن او را تأیید می‌کند. این نکته از سویی حدود اهل بیت را مشخص می‌کند و به اختلاف میان سنی و شیعه که آیا زنان پیامبر ﷺ هم از اهل بیت هستند یا نیستند، پایان می‌بخشد و از سوی دیگر مقام و منزلت ام سلمه را نشان می‌دهد که پس از اهل بیت قرار می‌گیرد. ام سلمه یکی از همان مجاهدان است که پرچم رساندن سنت رسول الله ﷺ را برگرفتند و با صداقت و تقوا ۵۱۸ حدیث در موضوع‌های گوناگون نقل کرده است و چه جهادی از این برتر که ام سلمه روزگاری سخنان رسول خدا ﷺ در فضائل علی ع را

گفته است که به گفته امام شافعی: «دوستان از ترس، فضائل امام علی علیه السلام را که از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیده بودند به زبان نمی آوردند و دشمنان از حسد». اهمیت و عظمت کار ام سلمه هنگامی مشخص می شود که نقل احادیث رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره فضایل امام علی و دیگر افراد اهل بیت به ویژه پس از شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام مبارزه ای جدی با بنی امیه به سردمداری معاویه و دیگر دشمنان امام علی علیه السلام محسوب می شود.

در آن روزگار معاویه افرادی را دور خودش جمع کرده بود که به جعل و نشر احادیثی علیه امام علی علیه السلام پردازند. برخی از این افراد خود به فاجعه و خسران دنیا و آخرت عمل خویش هم آگاهی داشتند به طوری که ابوهریره گفت: «آبگوشت معاویه چرب تر و نماز خواندن در پشت سر علی برتر است». بنابراین، ام سلمه یکی از مهمترین حاملان پرچم سنت نبوی و یکی از مؤسسان مدرسه اسلامی است که شایسته است دانشمندان این مکتب به نگاهبانی و نگاهداری این میراث باارزش و این جاودان مانده فرهنگ ارجمند توجه ویژه ای نشان دهند و در راه احیای آن بکوشند.

۲. نام و نسب ام سلمه

هند، ام سلمه، دختر ابوامیه بن مهشیم (ابوحذیفه) مادر ام سلمه، عاتکه دختر عامر بن ربیع. ایشان از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله است که ام المؤمنین نیز خوانده شده است. وی با پذیرش اسلام در سال های نخستین بعثت حضرت محمد صلی الله علیه و آله در گروه اولین مسلمانان درآمد و به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله همراه با عده ای از مسلمانان به سرپرستی جعفر بن ابی طالب به حبشه مهاجرت کرد. او که قبل از پیامبر صلی الله علیه و آله ازدواج کرده بود در سال چهارم هجری پس از شهادت شوهرش در جنگ احد به عقد پیامبر صلی الله علیه و آله درآمد. ام سلمه همواره در همراهی اهل بیت می کوشید و پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله نیز یکی از مدافعان اهل بیت علیهم السلام بود چنان که از حضرت فاطمه علیها السلام در مسئله میراث پیامبر صلی الله علیه و آله دفاع کرد. بسیاری از مورخان، تاریخ رحلت ام سلمه را بعد از واقعه عاشورا (حراملی، ۱۴۲۴، ۲۰/۱۴۲) در سال ۶۲ هجری دانسته اند. بدین ترتیب ام سلمه آخرین همسر حضرت

محمد ﷺ است که از دنیا رفته است. وی هنگام وفات ۸۴ سال (واقعی، ۱۴۰۹، ۳۴۴/۱) داشت. مقبره ایشان در بقیع در کنار بزرگان صدر اسلام است.

۳. جایگاه علمی ام سلمه ؓ

یکی از مهمترین منابع قانون گذاری در اسلام، سنت رسول گرامی ﷺ است و سنت و عبارت است از: قول، فعل و تقریر که از آن حضرت ﷺ صادر شده است. مسلمانان نخستین با بیداری و هوشیاری تمام به حفظ آنچه از پیامبر ﷺ صادر می شد، اهتمام ورزیدند تا جایی که هرگاه یکی از برادران به جهاد و یا تجارت می رفت برادر دیگر را می گذاشت که از رسول خدا ﷺ جدا نشود و آنچه را که از او می شنود، حفظ کند تا آن را به هنگام بازگشتن بیان کند. نتیجه این تتبع صحابه از احادیث و سیره رسول الله ﷺ به وجود آمدن کتب زیادی است که دیگر ملل و ادیان از آنها تهیدست مانده اند. برای امت های دیگر، جمع و تدوین آنچه از پیامبرانشان صادر شده است به اندازه یک درهم از احادیث و سیره ای که مسلمانان به تدوین آن پرداخته اند، امکان پذیر نشد و این خود یکی از امتیازات مسلمانان بر دیگران است. ام سلمه نیز بسیار مشتاق بود که احادیث رسول خدا ﷺ را حفظ کند و بدین سبب منزلتی والا در علم روایات و حدیث دارد. البته ام سلمه تنها سواد خواندن داشت و نوشتن نمی دانست (حسون، ۱۴۲۱، ۵/۲۲۶) و آنچه از رسول خدا ﷺ می شنید یا می دید به گوش جان می سپرد و برای مردم بیان می کرد.

۴. احادیث ام سلمه در کتب حدیثی

- طبرانی ۵۱۸ حدیث از روایان مختلف از ام سلمه درباره موارد مختلف از احکام فقهی، احوال رسول الله ﷺ، طهارت و اهل بیت روایت کرده است؛ (طبرانی، ۱۴۲۷، ۲۳/۴۲۱)
- مجلسی در کتابش ذیل زندگانی پیامبر ﷺ بابتی به نام ام سلمه اختصاص داده است؛
- زر کلی می نویسد: «ام سلمه ۳۷۸ حدیث از پیامبر ﷺ روایت کرده است؛ (مجلسی، ۱۴۵۶، ۲۲/۲۲۱)
- شیخ صدوق نام ام سلمه را در میان روایان از رسول اکرم ﷺ از قول امام جعفر صادق ؑ آورده است؛ (خوبی، ۱۳۷۲، ۲۳/۱۷۷)

آیت‌الله خوبی او را از اصحاب رسول الله ﷺ نام برده و فرموده که ام‌سلمه محدثه بوده است.

(شیخ صدوق، ۱۳۷۶، ص ۲۴۷)

۵. اعتراض ام‌سلمه به سقیفه

ام‌سلمه که در زندگی اش با رسول الله ﷺ هیچ‌گاه برخلاف رضای آن حضرت سلوک نکرده بود. بعد از رحلت رسول الله ﷺ نیز در تمام عرصه‌ها، پشتیبان اهل بیت آن حضرت بود. اعمال انصار را در اجتماع به نفع سعد بن عباد، رئیس قبیله خزرج و بیعت در سقیفه بنی ساعده با ابوبکر را تقبیح کرد و در ملاء عام فرمود: «انتخاب امام و خلیفه به اختیار مردم نیست. پیامبر ﷺ در غدیر خم جانشین خویش را تعیین فرموده است و جانشین باید از طرف خدا تعیین شود. شما با این رویه ثابت کردید که خداوند ولی دین خود را انتخاب نمی‌کند، پس جنگ شما با مسیلمه کذاب و سجاج چه معنی دارد؟ شما خلیفه تعیین می‌کنید و آنها رسول برمی‌گزینند. شما نیز همچون آنها از جاهلیت دور نشده‌اید» (شاندرو، ۱۳۷۸، ۱/۱۸۲). در بسیاری از کتاب‌های تاریخی آمده است که ام‌سلمه حدیث غدیر و فضایل علی علیه السلام را از قول رسول اکرم ﷺ به گوش مهاجرین و انصار می‌رساند (مجلسی، ۱۴۵۶، ۴۴/۱۲۵). بعد از سقیفه، ام‌سلمه وارد مسجد شد و خطاب به ابوبکر و عمر فرمود: «چه زود کینه و حسدتان را نسبت به آل محمد علیهم السلام ظاهر کردید. عمر به او گفت: خارج شو، ما را با زنان کاری نیست» (مجلسی، ۱۴۵۶، ۲۸/۳۰۰).

۶. حمایت ام‌سلمه از اهل بیت علیهم السلام در برابر ابوبکر

ام‌سلمه در بسیاری از جریان‌های سیاسی دخالت کرده و نظر داده است. وقتی زمامداران به جعل احادیث پرداخته و با قانون ساختگی «نَحْنُ مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ ذُنُورٌ» خواستند حق حضرت زهرا علیها السلام را از بین ببرند با همت مردانه به میدان آمد. در همان محیط تنگ و تاریک و در آن شرایط خفقان که احدی از خشونت و ترس از قدرت و فشار خودکامگان جرأت نداشت که بر آنان اعتراض کند بدون اینکه ترسی به خود راه دهد خطاب به ابوبکر که فاطمه علیها السلام برای به خود راه دهد خطاب به ابوبکر که از فاطمه علیها السلام برای فدک شاهد می‌خواست و گفته‌های فاطمه را نپذیرفت

فریاد برآورد: «آیا به بانویی چون فاطمه علیها السلام چنین گفته می‌شود؟ سوگند به خدا او در میان انس از زنان بهشت است و برای روح مونس‌تر است. او حوراء بین جن و انس است. او در دامان خدیجه علیها السلام رشد و نمو کرده و به بهترین شیوه پرورده شده است. آیا گمان می‌کنید که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم میراث خود را بر او حرام کرده و به او نگفته است. درحالی که خداوند فرموده است: "بیم کن خویشانت را که نزدیک‌ترند" (شعراء: ۲۱۴). پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم به او انذار داده و اکنون او برای به دست آوردن میراث خود به پا خواسته است. او بهترین زنان و مادر سرواران جوانان و همسر شیر پهلوانان است. پدر او رسالت پرودگارش را پایان داده است. سوگند به خداوند پدرش او را از آسیب گرما و سرما حفظ کرده است و مهربانی می‌ورزید. پس جلو دیدگانتان قرار دارد و شما به پیشگاه عدالت خدا خواهید رفت. وای بر شما به زودی خواهید دانست». (طبری، ۱۴۱۳، ص ۹۵) ابوبکر ترسید که به ام‌سلمه جواب دهد؛ زیرا با این کار بایی را باز می‌کرد که راهی به گشودن آن نمی‌دید، ولی ام‌سلمه را برای این مخالفتی که کرده بود از مقریش در آن سال محروم کرد (ابن عساکر، ۱۴۱۵، ۱۰/۶). ام‌سلمه بدون هیچ‌گونه نگرانی و دلهره، شجاعانه از حق، عدالت و از فاطمه علیها السلام دفاع کرد. او معتقد بود که حق را باید گفت. او خشنودی خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را به همه چیز ترجیح می‌داد. از این رو به مسجد آمد و این سخنرانی را ایراد کرد. تاریخ هم به نوبه خود آن را ضبط کرد تا زنان بالیمان مسلمان بدانند که در برابر دفاع از حق باید شجاعانه ایستادگی و دست ستمکار را از جامعه کوتاه کنند.

۷. نقش ام‌سلمه در حمایت از امام علی علیه السلام

علاقه فراوان ام‌سلمه برای کسب رضایت و پیروی از تعالیم، گام برداشتن در راه اهداف، توجه به بیانات و عمل به فرامین آن حضرت بیان شد. اکنون جای شگفتی نیست که ام‌سلمه پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به امام علی علیه السلام تاسی جسته و راه او را دنبال کند؛ زیرا بارها دیده بود که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در هر محفل، اجتماع و انجمنی نام امام علی علیه السلام را بالا می‌برد و احادیث فراوانی آشکارا برای امت بیان کرد تا برتری امام علی علیه السلام را نسبت به تمام صحابه نمایان کند. مردم جز گروه اندکی پس از

وفات رسول گرامی ﷺ از راه امام علی علیه السلام منحرف شدند و ام سلمه از همین گروه اندک است. او تا آخرین نفس بر ولایت و دوستی خویش بر امام علیه السلام باقی ماند به همین دلیل از قطع مقرری خود و ستمی که بر او وارد می شد بیمی به دل راه نداد. او مقام چشمگیری در یاری و دفاع از امام علیه السلام داشت و زمان حکومت حضرت علی علیه السلام در صف یاران با اخلاص آن حضرت بود و برای ممانعت از سفر عایشه تا حد ممکن مشغول به فعالیت شد. وی حادثی از رسول صلی الله علیه و آله در فضل امام علی علیه السلام برای عایشه ذکر کرد و برای او حادثی را که فراموش کرده بود یادآور شد و هنگامی که از او ناامید شد با مهاجرین و انصار اجتماع کرد و خشم خود را بر عایشه آشکار ساخت. سرانجام امام علیه السلام را از ماجرا آگاه ساخت و فرزندان خود را برای سرباز در سپاه امام علیه السلام فرستاد تا اعتراض و ناراحتی خود را بر سپاه جمل و صاحب مسلمین بر ملا کند.

۸. ارتباط ام سلمه با حضرت زهرا علیه السلام

ام سلمه از برگزیدگان خدا و از بانوانی بود که در خاندان نبوت از آغاز تا پایان عمر خدمتگزار حق و اهل بیت علیهم السلام بود. بلاذری در بیان افرادی که با یکدیگر عقد اخوت داشته اند در آغاز از اخوت بین مهاجر و انصار نام برده و سپس گزارش هایی درباره عقد خواهری در میان زنان مؤمن ذکر کرده و نوشته که حضرت زهرا علیه السلام با ام سلمه عقد خواهری داشته است. (ابن عساکر، ۱۴۱۵، ۱۰/۶) شخصیت ام سلمه تاریخ اسلام و شیعه شخصیت بسیار موجه و بزرگی است. در زمان ازدواج حضرت زهرا علیه السلام ام سلمه همچون زنان مهاجر و انصار در عروسی حضرت فاطمه علیه السلام نقش مهمی داشته است. از جمله آرایش شب عروسی حضرت زهرا علیه السلام است. ام سلمه در این مورد می گوید: «به فاطمه علیه السلام گفتم: آیا نزد تو بوی خوشی یافت می شود که برای خود ذخیره کرده باشی؟ فاطمه علیه السلام فرمود: آری و شیشه عطری آورد. مقداری از آن را به کف دستم ریخت، آنچنان بوی خوشی داشت که هرگز نظیرش را نیافته بودم. گفتم: این بوی خوش از کجا به دست آمده است؟ فرمود: جبرئیل به حضور پدرم می آمد، وقتی می رفت از درون لباسش چیزی به زمین می ریخت

پدرم به من می فرمود: آنها را جمع کن. آنها عنبر بودند و این بوی خوش از آنهاست» (طوسی، ۱۴۱۴، ص ۲۳۴).

ام سلمه به حضرت فاطمه علیها السلام مهربانی و محبت مادری داشت و تا آنجا که می توانست، تلاش می کرد تا او را چون دختر خود یاری کند. وی در موقع ولادت فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام حضور داشت (مجلسی، ۱۴۵۶، ۲۵۲/۴۳) و به فرمان رسول خدا صلی الله علیه و آله مراقب حضرت فاطمه علیها السلام بود. وی می گوید: «هنگامی که نزدیک زایمان حضرت فاطمه علیها السلام شد، پیامبر صلی الله علیه و آله به من و زینب دختر جحش فرمود: برای فاطمه علیها السلام آیه الکرسی بخوانید و به حضرت علی علیه السلام فرمود: برای فاطمه معوذتین بخوان» (موسوی جزایری، ۱۳۷۲، ص ۳۵۳) و همین که فاطمه علیها السلام فارغ شد و صدای گریه نوزادش به گوش رسول الله صلی الله علیه و آله رسید پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمود: «در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه بگو که هر طفلی که با او چنین عمل شود از شر شیطان مصون خواهد بود». انتخاب ام سلمه کنار حضرت زهرا علیها السلام هنگام تولد فرزندان حکمتی دارد و هر شخصی لیاقت همراهی حضرت زهرا علیها السلام را ندارد. ام سلمه تمام دوران زندگی مشترکش با رسول خدا صلی الله علیه و آله در کنار حضرت زهرا علیها السلام و امام علی علیه السلام و فرزاندنش بود و آمدورفت کودکان حضرت زهرا علیها السلام به خانه ام سلمه بیش از خانه همسران دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله بود. چنان که نزول آیه تطهیر، خبر از شهادت امام حسین علیه السلام در چند نوبت در خانه ام سلمه بود. وی بارها فرزندان حضرت زهرا علیها السلام را با خود به خانه می آورد و با آنها بازی می کرد یا از آنها مواظبت می کرد (مجلسی، ۱۴۵۶، ۲۵۲/۴۳). بعد از وفات رسول الله صلی الله علیه و آله وی روزگار درازی زنده بود و از نظر دین داری و خرمندی برترین زنان بازمانده از پیامبر صلی الله علیه و آله بود (موسوی الجزایری، ۱۳۷۲، ص ۲۵۳).

در مصباح الانوار از امام محمد باقر علیه السلام روایت شده است: «همین که بیماری حضرت زهرا علیها السلام غلبه یافت و به بستر بیماری افتاد ام سلمه برای عیادت از او به بالینش آمد و بین آنها گفت وگویی ردوبدل شد. ام سلمه پرسید: «ای دختر رسول خدا، چگونه شب را صبح کردی؟» حضرت فاطمه علیها السلام کلمات دلخراشی به زبان آورد و فرمود: «شب را صبح کردم درحالی که جگرم از

داغ پدر سوخته و آتش دلم برای ظلمی که بر وصی رسول خدا ﷺ کرده‌اند، افروخته بود. همانا به خدا قسم هتک کردند حجاب خدا را و آن امیرالمؤمنین بود که صبح کرد درحالی که خلافت و منصب امامت را از او گرفتند و غصب نمودند و برخلاف کتاب خدا و سنت حضرت مصطفی ﷺ کار کردند و چشم از تنزل و تأویل این کتاب آسمانی پوشیدند و در آن نبود مگر به دلیل کینه‌ای که از امام علی ﷺ داشتند که رجال آنها را در بدر و احد به قتل رساند و شراره حقد و حسد خود را به این خاموش کردند که از امام علی ﷺ انتقام بگیرند به غصب کردن در حق او. چون رسول خدا ﷺ دنیا را وداع گفت تیر آنها به نشان درآمد و کینه خود را آشکار کردند. یاران خونخواهی را بر سر ما فرورستادند و ابواب فتنه را بر روی ما بازکردند. به دستگیری مفسران و سخن‌چینان یک‌باره کمند ایمان را بگسیختند و زه ایمان را از کمان قلب قطع کردند و حفظ رسالت سیدالمرسلین و کفالت امور مؤمنین را پشت پا زدند. از پس آنکه فواید خویش از متاع دنیا را محفوظ داشتند و چون به مقصود رسیدند دست از نصرت علی مرتضی برداشتند و چندان که از آنها طلب نصرت کرد، نادیده و ناشنیده گرفتند؛ زیرا امام علی ﷺ پدران آنها را کشته بود» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۶، ۱۱۹/۳). وی تا زمان وفات حضرت زهرا ﷺ همراه و همفکر او بود. حضرت زهرا ﷺ در هنگام وفات از امام علی ﷺ تعهد گرفت که پس از وفاتش جز ام سلمه، ام ایمن، فضه، اسماء و از مردان فرزندان، عباس عمویش، سلمان، عمار، مقداد، اباذر و حذیفه کسی در محل دفنش حاضر نشود.

۹. روایات ام سلمه فضائل اهل بیت ﷺ

صحابه احادیثی از رسول گرامی ﷺ در فضایل امیرالمؤمنین ﷺ روایت کرده‌اند؛ زیرا پیامبر ﷺ امام علی ﷺ را پیوسته به نیکی یاد می‌کرد و مقام او را در محفل و انجمنی بالا می‌برد. پس از آنکه مدتی از فوت رسول اکرم ﷺ گذشت صحابه و تابعین برای آنکه خود را از ستم‌های بنی‌امیه و عمال آنها حفظ کنند این فضایل را پنهان کردند. محمدبن ادریس شافعی، امام مذهب شافعی گفته است: «چه بگویم درباره مردی که دوستانش از ترس و دشمنانش از حسد، مناقب او را

پوشیده داشتند و با این همه شهرت و مناقب او آنقدر شایع شده که شرق و غرب عالم را پر کرده است. در چنین جوی، ارباب و وحشت که زبان‌ها را گنگ می‌ساخت و چشم‌ها را از دیدن فضایل امیرالمؤمنین به هم می‌دوخت، به‌ویژه احادیثی را برمی‌گزید که حاکمان جور را بیشتر به خشم آورد. چند نمونه از روایات ام سلمه در مورد فضایل امام علی علیه السلام از قول رسول اکرم صلی الله علیه و آله عبارتند از:

ابوثابت مولای ابوذر گفته است: «در روز جمل با امام علی علیه السلام بودم. چون عایشه را ایستاده دیدم به من بدگمانی و وحشتی دست داد که به بعضی از مردم دست می‌دهد. پس خداوند مرا از آن به‌هنگام نماز فرج و گشایش داد و همراه امیرالمؤمنین نبرد کردم. چون از جنگ فارغ شدیم به مدینه نزد ام سلمه وارد شدم. ام سلمه گفت: کجا بودی هنگامی که دل‌ها در سینه از ترس پر می‌زد؟ گفتم: همان جایی که خداوند بر من به‌هنگام غروب خورشید گشایش و فرج بخشید. گفت: کار خوبی کردی؛ من از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: علی مع ال بن و ال بن مع علی لن یترقا حتی یردا علی الحوض»؛ (امینی، ۱۴۱۶، ۲۸/۵)

از ام موسی روایت شده که ام سلمه گفته است: «قسم به خدایی که ام سلمه به او سوگند می‌خورد، بی‌گمان نزدیک‌ترین مردم از نظر عهد و پیمان به رسول خدا صلی الله علیه و آله امام علی علیه السلام است» و ام سلمه گفته است: «چون بامدادی فرارسید که رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن به سوی حق برده شد، فرا رسید رسول خدا صلی الله علیه و آله به دنبال او فرستاده. گمان کردم که برای کاری به دنبال او فرستاده است. پس پیغمبر شروع به گفتن کرد: آیا علی آمد؟ این را سه بار گفت، پس علی علیه السلام پیش از طلوع خورشید آمد. چون علی آمد، دانستیم که پیغمبر با او حاجتی دارد. ما از خانه بیرون رفتیم. آن‌هنگام همگی در خانه عایشه به پرستاری از رسول خدا صلی الله علیه و آله مشغول بودیم. من آخرین نفری بودم که از در خارج شدم. آن‌گاه پشت در نشستم علی علیه السلام آخرین کسی بود که پیغمبر با او پیمان بست و راز درون گفت و نجوا کرد و درحالی که سر در آغوش او داشت، وفات یافت»؛ (جمالی، ۱۳۹۲، ص ۲۴۰)

- شنیدم از پیغمبر که فرمود: «مؤمنی تو را دشمن نمی‌دارد و منافقی تو را دوست نمی‌دارد»؛

(مجلسی، ۱۴۵۶، ۲۶۱/۳۹)

- سمعت رسول الله ﷺ يقول: «علي بن ابي طالب و الائمه من ولده بعدى ساده اهل الارض و قاده الغر المحجلين يوم القيامة؛ علي بن ابي طالب و ائمه از فرزندان او پس از من سروران اهل زمين و رهبر مؤمنان درخشنده پيشانى در روز قيامتند»؛ (صدوق، ۱۳۷۶، ص ۵۲۱)

- «من كنت مولا فعلى مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه و انصر من نصره و اخذل من خذله؛ هر كه من مولا و فرمانرواى اويم، على مولاى اوست؛ خدايا! دوست بدار آن كس كه او را دوست دارد و دشمن بدار آن كس كه او را دشمن دارد»؛ (مجلسى، ۱۴۵۶، ۱۸۷/۳۲)

- بعد از سريه ذات السلاسل و بازگشت حضرت على عليه السلام نزد رسول الله به مدینه به روايت ام سلمه، رسول خدا ﷺ برای استقبال امام على عليه السلام بيرون آمد و از مسلمانان پرسيد كه فرمانده خود را چگونه مردى يافتيد؟ گفتند: «بسيار خوب جز آنكه به غير از سوره توحيد، سوره ديگرى را نمى خواند». چون رسول خدا ﷺ علت آن را از امام على عليه السلام پرسيد حضرت فرمود: «من اين سوره را دوست دارم». رسول خدا ﷺ فرمود: «چنانچه تو اين سوره را دوست دارى خدا هم تو را دوست دارد و اگر نمى ترسيدم طايفه هاىي از امت من آنچه را نصرانيان درباره عيسى عليه السلام گفته اند درباره تو بگويند امروز سخنى مى گفتم كه بر گروهى از مسلمانان نگذرى مگر آنكه خاك زير پاى تو را به تبرك بريزند»؛ (آيتى، ۱۳۷۸، ص ۵۴۳)

- «ان عليا و شيعته هم الفائزون يوم قيامه»؛ (بلاذرى، ۱۳۹۷، ص ۱۸۲)

- «عن صالح بن ميثم عن ام سلمه عن رسول الله قال: شيعه على هم الفائزون»؛ (مجلسى،

۱۴۵۶، ۳۰۴/۳۹)

- پيامبر ﷺ فرمود: «اى ام سلمه! بدان كه على عليه السلام خدا و رسولش را دوست دارد و خدا و رسولش او را دوست دارند. خو و طبيعت او از خو و طبيعت من است، گوشت او از گوشت من، خون او از خون من است و او صندوق علم است، پس از من، او كشنده پيمان شكنان و ستمكاران و از دين برون شدگان است. به خدا سوگند او زنده كنده سنت من است. اگر بنده اى هزار سال و پس از آن هزار سال ديگر ميان ركن و كعبه و مقام ابراهيم خدا را عبادت كند و بميرد امام على عليه السلام را

دشمن داشته باشد خداوند روز قیامت در آتش جهنم سرنگونش می‌سازد» (صفار قمی، ۱۴۰۴، ص ۳۱۳)؛

- زیدبن ارقم گفت: «بر ام‌سلمه وارد شدم، پس گفت: از اهل کجایی؟ گفتم: از کوفه. گفت: از آنهایی که پیامبر ﷺ را سب می‌کنند؟ گفتم: نه به خدا ای ام‌المؤمنین. فرمود: شما می‌گویید خداوند علی علیه السلام و هرکه او را دوست دارد، لعنت کند. به خدا قسم می‌دانم که رسول خدا صلی الله علیه و آله امام علی علیه السلام را دوست دارد»؛ (امینی، ۱۴۱۶، ۲۰۵/۵)

- «کان جبرئیل یمل علی رسول الله صلی الله علیه و آله و رسول الله یمل علی علی»؛ (جمالی، ۱۳۹۲، ص ۲۶۷)
- سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله یقول: «علی مع الحق و الحق مع علی و لن یفترقا حتی یردا علی الحوض یوم القیامه؛ علی با حق است و حق با علی است. آن دو هرگز از یکدیگر جدا نگردند تا اینکه بر من در حوض کوثر وارد شوند»؛ (جمالی، ۱۳۹۲، ص ۲۶۷)

- ام‌سلمه گوید: «شبی که رسول الله در منزل من بود فاطمه و همسر و فرزندان هم وارد شدند. پیامبر به علی علیه السلام فرمود: انت و اصحابک فی الجنه انت و شیعتک فی الجنه»؛ (ابن عساکر، ۱۴۱۵، ۱۲۰/۳)

- از ام‌سلمه حدیثی نقل شده است که خلاصه آن چنین است: «رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگام بیماری فرمود: دوست مرا بخوانید. عایشه دنبال پدرش فرستاد. وقتی آمد پیامبر صلی الله علیه و آله رو برگرداند و فرمود: دوست مرا بخوانید. حفصه دنبال پدرش فرستاد و وقتی آمد پیامبر صلی الله علیه و آله رو برگرداند و فرمود: دوست مرا بخوانید. حضرت فاطمه علیها السلام دنبال امام علی علیه السلام فرستاد، پس چون امام علی علیه السلام آمد، پیامبر صلی الله علیه و آله نشست و روانداز خود را بر روی امام علی علیه السلام نیز کشید و با او به قدری سخن گفت که گریه کرد»؛ (صفار قمی، ۱۴۰۴، ص ۳۱۳)

- ام‌سلمه می‌فرماید: «رسول الله صلی الله علیه و آله در حین مریضی دستمال به سر مبارک بسته بر بالای منبر رفت و نخست برای شهدای احد آموزش طلبید و بعد از آن فرمان داد که در خانه‌هایی که به طرف مسجد بود را مسدود کنند الا در خانه علی علیه السلام و فرمود که مرا از صحبت او گریز نیست و او را از صحبت من و در پاسخ به سؤال یکی از اصحابش که یا رسول الله صلی الله علیه و آله مراد به فتح ابواب چه بود

و سبب مسدود ساختن آنها چیست؟ فرمود: نه گشادن به فرمان من بود و نه بستن». (معین‌الدین، ۱۴۰۳، ۱۱۸/۲)

۱۰. حدیث غدیر از زبان ام سلمه رضی الله عنهما

حضور زنان پیامبر صلی الله علیه و آله از جمله ام سلمه در مراسم غدیر در کتب مختلف مورد تأکید قرار گرفته است. (بیهقی، ۱۳۶۱، ۳۱۸/۲) صاحب **روضه الصفا** می‌گوید: «چون رسول خدا صلی الله علیه و آله در غدیر خم حدیث: «من كنت مولاة فهذا علي مولاة» را در شأن امیرالمؤمنین علیه السلام خواند، پس از منبر فرود آمد و در خیمه خاص خود نشست و فرمود که امیرالمؤمنان در خیمه دیگر بنشیند. بعد از آن طبقات خلابی را فرمود تا به خیمه امام علی علیه السلام رفتند و زبان به تهنیت او گشادند. چون مردم از این امر فارغ شدند امهات مؤمنین به فرموده آن حضرت نزد امام علی علیه السلام رفتند و او را تهنیت دادند» (میرخواند، ۱۳۸۰، ۳۱۸/۲)؛

ام سلمه یکی از دو زن پیامبر صلی الله علیه و آله است که حدیث غدیر را روایت کرده است. او ماجرای غدیر را چنین بازگو کرد: «اخذ رسول الله صلی الله علیه و آله بيد علي بغدير خم فرجعها حتى رابنا بياض ابطيه فقال من كنت مولاة فعلي مولاة ثم قال ايها الناس اني مخلف فيكم الثقلين كتاب الله و عترتي و لن يتفرقا حتى يردا على الحوض؛ در غدیر خم رسول الله صلی الله علیه و آله دست علی علیه السلام را بالا برد تا آنجا که سفیدی زیر بغلش را دیدم. آن‌گاه فرمود هرکه من مولای او هستم، پس علی مولای اوست. بعد فرمود: ای مردم! من دو چیز گران‌بها در میان شما می‌گذارم: کتاب خدا و عترتم. این دو هرگز از هم جدا نخواهند شد تا وقتی در کنار حوض به من ملحق شوند». (امینی، ۱۴۱۶، ۱۷/۲ و ۱۸)

شهرین حوشب روایت کرده است که ام سلمه رضی الله عنهما گفته است: «ان النبي صلی الله علیه و آله دعا عليا علیه السلام و فاطمه و الحسن و الحسين. فجلل عليهم كساء له خيبر يا ثم قال: اللهم هؤلاء اهل بيتي الدين اذهب عنهم الرجس و طهرتهم تطهيرا؛ پیغمبر صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام، حضرت فاطمه علیها السلام، امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام را فراخواند. پس کسای خیبری خود بر روی آنها کشید و آن‌گاه گفت:

بار خدایا! اینان اهل بیت من هستند؛ کسانی که پلیدی را از آنها دور نمودی و آنها را پاک کردی.»
(مجلسی، ۱۴۵۶، ۲۵۲/۴۳)

طبری حدیثی طولانی از ام سلمه روایت کرده که در بخشی از آن آمده است: «یا ام سلمه اسمعی و اشهدی هذا علی بن ابی طالب اخی فی الدنیا و اخی فی الآخرة؛ یا ام سلمه! اسمعی و اشهدی، هذا علی بن ابی طالب حامل لوائی فی الدنیا و حامل لوائی فی الآخرة غدا یوم القیامه، یا ام سلمه! اسمعی و اشهدی هذا علی بن ابی طالب وصیی و خلیفتی من بعدی و قاضی عداتی و الذائد، عن حوضی، یا ام سلمه! اسمعی و اشهدی هذا علی بن ابی طالب سیدالمسلمین و امام المتقین و قائد العز المحجلین و قاتل الناکثین و القاسطین و المارقین؛ ای ام سلمه! گوش کن و شهادت بده. این علی بن ابیطالب برادر من در دنیا و برادر من در آخرت است. ای ام سلمه! بشنو و شهادت بده این علی بن ابیطالب پرچمدار من در دنیا و پرچمدار من در آخرت فردا روز قیامت است. ای ام سلمه! گوش کن و شهادت ده، این علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ وصی و جانشین من پس از من و قاضی من برای دشمنانم و دفاع کننده از سر چشمه (رسالت) من است ام سلمه! بشو و شهادت ده این علی بن ابیطالب سرور مسلمانان و امام پزهیزاران و رهبر مؤمنان درخشنده پیشانی و کشنده ناکثین و قاسطین و مارقین است.» (مفید، ۱۳۸۸، ص ۷۴)

۱۱. آیات نازل شده در مورد ام سلمه عَلَيْهَا السَّلَامُ

نام و یاد بسیاری از افراد در بن ذکر شده که برخی از آنان افتخار را برای خود جاودانه کرده اند و برخی دیگر نامشان در ردیف بدکاران و ستمگران ماندگار شده است. در این میان، ام سلمه بانویی است که آیاتی چند در مورد او نازل شده است و مفسران در شأن نزول برخی از آیات به او اشاره کرده اند. روزی ام سلمه از پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پرسید: «ای پیامبر خدا! چرا نام مردان در جریان هجرت ذکر شده است، اما به زنان اشاره ای نشده است. خداوند در پاسخ او این آیه را بر پیامبرش فر فرستاد: "فَأَسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ إِنَّيَ أَلْأَضِيعُ عَمَلٍ عَامِلٍ مِنْكُمْ مَنْ ذَكَرَ أَوْ أَنْثَى؛ خداوند

دعای آنان را اجابت کرد که من هرگز عمل، عمل‌کننده‌ای را و خواه مرد باشد یا زن و ضایع نمی‌کنم" (آل عمران: ۱۹۵).

ام‌سلمه بیشتر لباس سفیدی می‌پوشید که دو بند در پشت آن قرار داشت و آویزان می‌شد. یکی از همسران پیامبر ﷺ با تمسخر به حفصه همسر دیگر پیامبر ﷺ می‌گفت: نگاه کن، آنچه در پشت ام‌سلمه آویزان است مانند زبان سگ می‌باشد و گفته‌اند آن دو نفر، ام‌سلمه را به سبب کوتاهی قدش مسخره می‌کردند. از این رو آیه نازل شد: «بِأَيِّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَلْ يَسَخَّرَ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَى أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ، وَ أَلْ نِسَاءٍ مِنْ نِسَاءٍ عَسَى أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ؛ ای کسانی که ایمان آوردید، گروهی از شما گروه دیگر را مسخره نکند؛ چه بسا از آنها بهتر باشند و هیچ‌یک از زنان، زنان دیگر را مسخره نکند؛ زیرا شاید آن زنان از مسخره‌کنندگان بهتر باشند» (حجرات: ۱۱). (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ۲/۱۶۸)

۱۲. ام‌سلمه و شهادت امام حسین علیه السلام

در روایتی آمده است: «هنگامی که امام حسین علیه السلام عازم عراق بود ام سلمه به او گفت: به عراق نرو، من از رسول خدا شنیدم که می‌فرمود: فرزندم حسین در عراق کشته می‌شود. ام سلمه افزود: نزد من خاکی است که پیامبر صلی الله علیه و آله آن را درون شیش‌هایی به من داده است. امام حسین علیه السلام فرمود: سوگند به خدا، من کشته خواهم شد. اگر به عراق هم نروم مرا خواهند کشت. سپس فرمود: اگر خواستی قبر خود و محل کشته شدن اصحابم را به تو نشان می‌دهم. آن‌گاه دست خود را به صورت ام سلمه کشید. خداوند شعاع دید چشم او را گستراند و او همه اینها را دید. امام علیه السلام خاکی از آنجا گرفت و در شیش‌های دیگر به او سپرد و فرمود: هر وقت این خاک آغشته به خون شد بدان که من کشته شده‌ام. بعد از ظهر عاشورا وقتی ام سلمه به دو مشت خاکی که پیامبر و امام حسین علیه السلام به او داده بودند نگریست، مشاهده کرد که آغشته به خون شده‌اند. آن‌گاه فریاد برآورد». (راوندی، ۱۴۱۱، ۱/۲۵۳)

فضیل بن یسار از امام باقر علیه السلام نقل کرده است: «عن الفضیل بن یسار قال: قال لی ابو جعفر: لما توجه الحسین علیه السلام الی العراق دفع الیام سلمة زوج النبی صلی الله علیه و آله الوصیة والکتب و غیر ذلک و قال لها: «اذتاک اکبر ولدی فادفعی الیه ما» قد (دفعت الیک) فلما قتل الحسین علیه السلام أتى علی بن الحسین علیه السلام ام سلمه فدفعت الیه کل شیء اعطاها الحسین». (مجلسی، ۱۴۵۶، ۸۹/۴۵) ظاهر روایت نشان می دهد که امام سجاد علیه السلام از علی اکبر بزرگ تر بوده است. در غیر این صورت شاید مقصود، اکبر فرزندان موجود پس از شهادت امام بوده است. چون امام حسین علیه السلام آهنگ عراق کرد وصیت نامه، کتاب های امامت و چیزهای دیگر را به ام سلمه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله سپرد و فرمود: «هرگاه بزرگ ترین فرزندم نزد تو آمد آنچه به تو داده ام را به او بسپار». پس از شهادت امام حسین علیه السلام، علی بن الحسین علیه السلام نزد ام سلمه آمد و او هر چه را که امام حسین علیه السلام به او داده بود به وی سپرد. ابوبکر حضرمی نیز از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: «ابی بکر الحضرمی عن ابی عبدالله علیه السلام قال: ان الحسین صلوات الله علیه لما صار الی العراق استودع ام سلمة رضی الله عنها الکتب والوصیة، فلما رجع علی بن الحسین دفعتها الیه؛ امام حسین که صلوات خدا بر او باد وقتی خواست به سوی عراق حرکت کند کتاب های امامت و وصیت نامه را به ام سلمه سپرد. بعد از شهادت امام حسین علیه السلام وقتی امام علی بن الحسین به او مراجعه کرد آنها را به ایشان تحویل داد» (طوسی، ۱۳۸۷، ص ۱۹۵).

۱۳. نتیجه گیری

ام سلمه حافظ سنت پیامبر صلی الله علیه و آله بود. وی یکی از راویان احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله است و بسیاری از علمای علم رجال مانند برقی و شیخ طوسی او را در ردیف راویان احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داده اند. وی از پیامبر صلی الله علیه و آله فاطمه زهرا علیها السلام و ابی سلمه روایاتی را نقل می کند. گروه بسیاری از صحابه و تابعین نیز از وی احادیثی را نقل کرده اند. بی شک چنین مقامی برای ام سلمه بسیار افتخار آمیز است و او را در میان همسران پیامبر صلی الله علیه و آله ممتاز می کند. تعداد احادیث وی به ۳۷۸ حدیث می رسد. وی از راویان حدیث غدیر است که این سخن پیامبر صلی الله علیه و آله را نقل کرده است: «مَنْ كُنْتُ

مَوَالَاهُ فَعَلَى مَوَالَاهُ؛ هرکس که من موالی او هستم، علی موالی اوست». همچنین او از راویانی است که حدیث مربوط به آیه تطهیر که در مورد اهل بیت پیامبر ﷺ نازل شده است را نقل می‌کند. وی ناقل حدیث ثقلین نیز است: «گویا می‌بینم که خوانده می‌شوم و باید بروم. من در میان شما دو شیء گران بها را می‌گذارم که یکی از دیگری بزرگ‌تر است: کتاب خدا که ریسمانی است که از آسمان به سوی زمین کشیده شده است و اهل بیت را. مراقب باشید که از آن دو تخلف نشود». ام سلمه پشتیبان حضرت فاطمه علیها السلام بود. هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله چشم از جهان فروبست غم و غصه بر شبستان دل ام سلمه خیمه زد و برای رهایی از غم و غصه، دست به دامن دخترش فاطمه زهرا علیها السلام آویخت. فاطمه‌ای که تمام وجود پیامبر صلی الله علیه و آله بود و پیامبر صلی الله علیه و آله به او عشق می‌ورزید. پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله پیچک آتش کینه و تفرقه در میان مسلمانان رشد کرد و گروهی برای رسیدن به حکومت، دین و ایمان خود را فراموش کردند. شعله‌های این کینه، حضرت فاطمه علیها السلام که پاره تن پیامبر صلی الله علیه و آله بود را نیز دربرگرفت تا آنجا که او را از میراث پدرش نیز محروم کردند. در چنین شرایطی که بیشتر مسلمانان سر در گریبان ترس و نفاق فرورده بودند ام سلمه تنها در برابر سردمداران حکومت برآشفته و از دختر رسول خدا دفاع کرد.

فهرست منابع

۱. ابن عساکر، علی بن حسن (۱۴۱۵). تاریخ دمشق. بیروت: دارالفکر.
۲. آیتی، محمدابراهیم (۱۳۷۸). تاریخ پیامبر اسلام. تهران: دانشگاه تهران.
۳. امینی، عبدالحسین (۱۴۱۶). الغدیر. قم: مرکز الفرسیه الدراسات الاسلامیه.
۴. بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۹۷). انساب الاشراف. بیروت: مؤسسه علمی للمطبوعات.
۵. جمالی، احمد (۱۳۹۲). بوستان معرفت. قم: مؤسسه فرهنگی ولاء منتظر رضی الله عنه.
۶. حرعاملی، محمد (۱۴۲۴). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۷. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (۱۴۱۶). المستدرک. بیروت: دارالتأمل.
۸. حسون، محمد (۱۴۲۱). اعلام النساء المومنات. تهران: اسوه.
۹. خوبی، ابوالقاسم (۱۳۷۲). معجم الرجال حدیث. قم: مرکز نشر آثار شیعه.
۱۰. راوندی، قطب‌الدین (۱۴۱۱). و الخرائج و الجرائح. بیروت: النور للمطبوعات.
۱۱. شاندور آلبر، عبدالصمد (۱۳۷۸). تاریخ پیامبر اسلام. بی‌جا: انتشارات حروفیه.
۱۲. صفار قمی، محمد بن حسن (۱۴۰۴). بصائر الدرجات. قم: مکتبه آیت الله مرعشی نجفی.

۱۳. صدوق (۱۳۷۶). امالی. تهران: کتابچی.
۱۴. طوسی، محمدبن حسن (۱۳۸۷). الغیبه. قم: جمکران.
۱۵. طوسی، محمدبن حسن (۱۴۱۴). امالی. بیروت: دارالفکر.
۱۶. طبرانی، سلیمان بن احمد (۱۴۲۷). بیروت: دارالحیاه.
۱۷. طبری، محمدبن جریر (۱۴۱۳). دلائل الامامه. قم: مؤسسه الدراسات الاسلامیه.
۱۸. مجلسی، محمدباقر (۱۴۵۶). بحارالانوار. بیروت: التراث العربی.
۱۹. معین الدین، محمد (۱۴۰۳). معارج النبوه. قم: ایران مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۲۰. موسوی جزایری، سید هاشم (۱۳۷۲). الازکار. قم. نشر مؤلف.
۲۱. مفید، محمدبن محمد (۱۳۸۸). الاختصاص. مترجم: صابری، حسین. تهران: مؤسسه علمی-فرهنگی.
۲۲. میرخواند (۱۳۸۰). روضه الصفاء. تهران: انتشارات علمی-فرهنگی.
۲۳. واقدی، محمد (۱۴۰۹). المغازی. بیروت: مؤسسه علمی للمطبوعات.